

هو الابهى - الهى الهى ترى و تشهد ذلى و هوانى و قلة...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



٤٨٥

هو الابهى

الهى الهى ترى و تشهد ذلى و هوانى و قلة نصرتى و شدة كرتى و عظيم بلائى و شديد ابتلائى بين برىتك و انت و عدتنى بنزول ملهومة مهاجمة من ملكوتك الابهى و جبروت سلطنتك التى خضعت لها اعناق اهل الارض و السماء. اى ربّ انجد بتلك الجنود اهل السجود و ارفع اللواء المعقود و انصر المقام المحمود و ادم الظلّ الممدود بفضلك و جودك. اى ربّ انصر احبتك الذين قاموا لنصرة امرك و اعلاء كلمتك و ترويح ميثاقتك و تنوير آفاقك و تعميم اشراقك. اى ربّ لك الشكر على ما ابدت من شديد بأسك و عظيم اقتدارك فى حقّ احبائك فى بلادك و صوتاً لاودائك فى مملكتك و اورثت به عزّة اصفياك و ذلّة معانديك صنديد القوم و ائمة الضلال الذين يهدون الى عذاب السعير و هتكوا حرمتك على المناير و طعنوا بجمالك فى المحاضر و استهزءوا بطاعتك فى المحافل و اسندوا اليك الشرك على رؤوس الاشهاد فى المعابر و افتوا بقتل احبتك و هرقوا دماء صفوتك. اى ربّ حرقوا تلك الاجساد اللطيفة بروح توحيدك و قطعوا تلك الرؤوس المتوجه باكليل تفريدك و حكموا عليهم انهم ارتدوا عن دينك و اشركوك بمعبودهم الذى هو هويهم كما قلت و قولك الصدق ا فرأيت الذى اتخذ الهه هواه. اى ربّ ادعوا الايمان بمظاهر امرك و اعترضوا على جمالك المبين و ادعوا معرفة الكتاب و قوت الاستنباط و الاجتهاد ثم استفتحوا فى الافتاء بقتل جمالك الاعلى و تشبثوا بآية من كتابك و صلبوا جمالك و فوقوا اليه سهام الرصاص و قالوا هذا ادعى النبوه و خالف صريح نصوص القرآن ما كان محمد ابا احد من رجالكم ولكنه رسول الله و خاتم النبيين. اى ربّ تمسكوا بمفاهيمهم من الكتاب و افتوا بقتل من خضع



ORIGINAL



AUDIO

له الالواح و الصّحائف و فصل الخطاب. ای ربّ لم یکتفوا بذلک بل افتوا علی جمالک الابهی و قالوا انه نطق بالخطاء و اتبع النّفس و الهوی و لم یعلّبه شدیدی القوی و جعل نفسه شریکاً للذی خلق فسوی و اهانوه بكلّ حقد و بغضاء فی الخلاً و الملاً و المجامع الکبری و ما استحووا من انواره السّاطعة علی الارضاء. ای ربّ لک الحمد بما قطعت دایرههم و ازهقت باطلهم و ابعدت عدوتهم و اظلمت عدوتهم و نکست اعلامهم و کسرت اقلامهم و اطفئت سراجهم و اظهرت اعوجاجهم انک انت القاهر القادر العزیز المقتدر القیوم. ای ربّ وفقنی و عبادک المستقیمین علی عهدک و میثاقک فی عبودیّة عتبتک السّامیه و الخضوع و الخشوع عند باب احدیتک الباهیه و ایدنا علی خدمة دینک المبین و الهدایة الی صراطک المستقیم انک انت الکریم الرّحیم.

آنچه مرقوم فرموده بودید ملاحظه گردید. فی الحقیقه این مواضع بموقع و مسموع و این ادله واضح و مبین و مشهود ولی در فرقان حضرت رحمن به مظهر فیض یزدان خطاب می فرماید ا فانت تهدی العمی ولو كانوا لا یبصرون ا فانت تسمع الصّم ولو كانوا لا یسمعون. این نفوس بطلان آنچه را می گویند می دانند، یعرفون نعمه الله ثم ینکرونها. حضرت روح فرار به اعلی قلل جبال می فرمود. سبب سرعت و شتاب را شخصی استفسار نمود. فرمود از احمق نادان گریزانم. عرض نمودند قوت اسم اعظم بکار بره. فرمودند به فیض روح القدس و روح مسیحائی کور بینا گردید و کر شنوا و لال گویا و مرده احیا ولی صد هزار اسم اعظم به احمق نادان تأثیری نبخشید و فائده ای ننمود چه که حماقت غضب و قهر حضرت ربّ عزّتست، چاره ای ندارد و علاجی نپذیرد. حال سست عنصران در عهد و پیمان مظهر حماقت و نادانی هستند که صد هزار اسم اعظم تأثیر نکند تا چه رسد به وعظ و نصیحت. باری ثمری که از نصائح آن حضرت حاصل شد این بود که در سرّ سرّ به هر سست عنصر رساندند که جناب حاجی با ما سرّاً مکاتبه دارند و این را شهرت دادند. لهذا آن جناب باید به کمال سرعت این مکتوبی را که به خرطومی مرقوم نموده اید بعضی مواقع را قدری جرح و تعدیل فرمائید و حقیقت حال بی خردان دنیا و آخرت و مقاومت میثاق حضرت احدیت را به حقیقت چنانکه کشف و تحقیق فرموده اید بیان نمائید تا کلّ بدانند که در سرّ سرّ آنچه به سست عنصران در حقّ ثابتان گفته اند کذب محضست و آن حضرت در عَمّان پیمان مستغرق و از شمس میثاق چون ماه منور بهره ورید. نور مبین را فدای ظلام سجّین نمی فرمائید و عهد قدیم ربّ کریم را قربان نعیق اقرع لثیم نمی نمائید. باری نه چنان حیل و خداعی در میان آورده اند که به تعبیر درآید. به محض اینکه نفسی به ایشان سلامی کند در سرّ شهرت دهند که این شخص نیز با ما همدست تا سبب نفرت دوستان گردد و علّت عداوت و بغضاء آن شخص شود و چون آتش بغضاء روشن شد نقض عهد و میثاق فوراً محقق گردد ولی ثمری از این تدبیر و تزویر ندیدند. هیئات هیئات بلبل گلستان پیمان در گلخن نسیان جای نگزیند و طوطی شکرشکن میثاق عهد شکن نگردد. نزد آن که از معین حیوان حیات جاودان یافت و آب خوشگوار نوشید ملح اجاج گوارا نیاید. شیدای جمال ابهی و رسوای دلبر عهد را کسی نمخود نکند. سرمست پیمانه پیمان چنان نشئه یابد که آفاق و ما فیہ را محو و فانی بیند و جنود ملوک عالم را سینه سپر نماید و پای استقامت بنماید.

باری ای یار دیرین نه چنین انین و حنین در دل است که بیان توان کرد. شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر. ای حبیب، انوار توحید و اشراق تفرید شرق و غرب را روشن نموده و سراج و هاج میثاق آفاق را منور کرده. امواج بحر ملکوت سواحل وجود را غرق نموده و سبح الطاف بر جمیع اطراف فائض گشته. عن قریب علم پیمان یزدان در قطب امکان موج زند و صبح مبین عزت قدیمه پرتوش خاور و باختر را روشن کند. آهنگ ملکوت ابهی در مشارق اذکار بلند شود و سرهای سروران در کمند محبت الله درآید. این خفاشان اسیر بصر ضعیف گردند و از شعاع آفتاب عهد ضریر شوند.

ای حبیب در خصوص یحیی مرقوم نموده بودید. همچو تصور نموده بود که عبدالبهاء غافل از وساوس و دسائس است. لهذا چندی پیش مکتوبی به جدّه مرقوم گشت سواد آن در جوف است ارسال می شود ملاحظه فرمائید لتیقن انّ عبدالبهاء حلمه عظیم و صبره شدید و اذا جاء الامر نطق و رقم و نادی هذا هو الحقّ و ما بعد الحقّ الا الضلال. ای حبیب چنان فریاد میثاق برآر که گوش کر ناقضین شنوا گردد و چنان در انجمن ثبوت برافروز که چشم کور ناکثین بینا شود و البهاء علی کلّ ثابت علی میثاق ربک العظیم. ع ع